

وَالجِهَادُ جِهَادٌ

قال تعالى: (أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ ﴿١٢٠﴾ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ) (120).

خداوند متعال می‌فرماید: (به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل گردیده، اجازه جهاد داده شده است؛ چرا که مورد ستم قرار گرفته‌اند؛ و خدا بر یاری آن‌ها تواناست* همان‌ها که از خانه و شهر خود، به ناحق رانده شدند، جز اینکه می‌گفتند: «پروردگار ما، خدای یکتاست!» و اگر خداوند بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نکند، دیرها و صومعه‌ها، و معابد یهود و نصارا، و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده می‌شود، ویران می‌گردد! و خداوند کسانی را که او را یاری کنند [و از آیینش دفاع نمایند] یاری می‌کند؛ خداوند قوی و شکست ناپذیر است)؛ (1).

أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ إِنَّ هَوْلَاءَ الْحَكَّامِ تَسَلَطُوا عَلَى الْمُسْلِمِينَ بِالْقُوَّةِ، وَاسْتَبِيحَتِ الدَّمَاءَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ وَبِالْمَكْرِ وَالْخِدَاعِ وَشَرَاءِ الْمُرْتَزَقَةِ مِنَ الْأَرَاذِلِ، وَأَخَذُوا يَحَارِبُونَ كُلَّ إِنْسَانٍ حَرًّا يَرْفُضُ التَّعَبُّدَ بِقَوَانِينِهِمْ لِأَنَّهُمْ يَرُونَ أَنفُسَهُمْ آلهَةً يَجِبُ أَنْ تَطَاعَ مِنْ دُونِ اللَّهِ، إِنَّهُمْ يَعْتَبِرُونَ أَنفُسَهُمْ فَوْقَ الْبَشَرِ فَعَلَيْهِمْ أَنْ يَقُولُوا وَيَفْعَلُوا وَعَلَى النَّاسِ أَنْ يَثْنُوا عَلَى الْأَقْوَالِ وَيَحْمَدُوا الْأَفْعَالَ، إِنَّهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ لَا يَعُونَ الْكَلِمَةَ الطَّيِّبَةَ، إِنَّمَا يَفْهَمُونَهُ الْقُوَّةَ، وَالْقُوَّةَ فَقَطْ هِيَ الَّتِي تَحُلُّ مَشْكَالَتَنَا مَعَ هَوْلَاءِ الظُّلْمَةِ الْمُسْتَكْبِرِينَ، وَهَذَا قَدْرُنَا، إِنَّ اللَّهَ سَبْحَانَهُ وَتَعَالَى شَاءَ أَنْ يَمْتَحِنَ الْمُؤْمِنِينَ بِالْجِهَادِ لِيَعْلَمَ الصَّادِقُ فِي إِيمَانِهِ مِنَ الْكَاذِبِ الَّذِي يَدْعِي الْإِيمَانَ.

ای برادران و خواهران مؤمن، این حاکمان ظالم با زور بر مسلمانان مسلط شده‌اند، خون‌هایی که خدا حرام نموده است را حلال کرده‌اند و با مکر و حيله و به خدمت گرفتن افراد پست، با هر انسان آزاده‌ای که خود را مقید به دوری از اطاعت از هر شخص دیگری غیر از خدا می‌بیند و از قوانین آن‌ها پیروی نمی‌کند، به جنگ برمی‌خیزند. آن‌ها خود را بالاتر از بشر می‌بینند، پس به زعمشان، آن‌ها باید بگویند و انجام بدهند و مردم نیز باید این گفته‌ها و اعمال را تأیید نمایند. آن‌ها مستکبران هستند که تحمل شنیدن کلمه طیبه را ندارند؛ تنها چیزی که می‌فهمند، زور است؛ زور و قدرت تنها چیزی است که مشکلات ما را با این مستکبرین ظالم حل می‌کند و این تقدیر ماست؛ خداوند سبحان با جهاد، مؤمنین را مورد آزمایش قرار می‌دهد تا مؤمنی که در ایمانش صادق است را از کسانی که به دروغ ادعای ایمان دارند، باز شناسد.

قال تعالى: ﴿الم﴾ أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يَتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ ﴿١﴾
 وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ ﴿٢﴾ أَمْ حَسِبَ
 الَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ أَنْ يَسْبِقُونَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴿٣﴾ مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ
 فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٤﴾ وَمَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ
 لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ ﴿٥﴾ [121].

خداوند متعال می‌فرماید: (الف، لام، میم * آیا مردم پنداشته‌اند که چون بگویند: ایمان آوردیم،
 رها می‌شوند و دیگر مورد آزمایش قرار نمی‌گیرند؟ * هر آینه مردمی را که پیش از آن‌ها بودند
 آزمودیم تا خدا کسانی را که راست گفته‌اند معلوم دارد و دروغ‌گویان را بشناسد * آیا آنان که
 مرتکب گناه می‌شوند پنداشته‌اند که از ما می‌گریزند؟ چه بد داوری می‌کنند * هر کس که به دیدار
 خدا امید دارد بداند که وعده خدا آمدنی است و او شنوا و داناست * کسی که جهاد و تلاش کند،
 برای خود جهاد می‌کند؛ چرا که خداوند از همه جهانیان بی‌نیاز است؛ (1).

إِنَّ هَوْلَاءِ الطَّوَاغِيتِ رَكَزُوا بَيْنَ اثْنَيْنِ السَّلَّةِ أَوْ الذَّلَّةِ كَمَا قَالَ مَوْلَانَا الْحُسَيْنِ (ع)
 [122]، وَيَأْبَى اللَّهُ لَنَا الذَّلَّةَ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ، فَلَا بَدَّ مِنْ جِهَادِ هَوْلَاءِ الطَّوَاغِيتِ
 وَمَرْتَزَقْتَهُمُ الَّذِينَ يَمْتَصُّونَ دِمَاءَ الْمُسْلِمِينَ قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمَ نَصَبِ فِيهِ أَجْسَادُ بِلَا
 دِمَاءٍ وَأَمْوَاتٍ نَسِيرَ عَلَى الْأَرْضِ، وَلَيْسَ لِمُسْلِمٍ أَنْ يَقُولَ لَا أُرِيدُ أَنْ أُتَدَخَلَ فِي
 السِّيَاسَةِ؛ لِأَنَّ كُلَّ مُسْلِمٍ مُلتَزِمٌ بِإِسْلَامِهِ مُتَفَقِّهٌ فِي دِينِهِ هُوَ سِيَاسِيٌّ.

این طاغوتیان همان‌طور که امام حسین (ع) می‌فرماید، بین دو انتخاب قرار دارند: کشته شدن و
 یا قبول ذلت و خواری. (2) خداوند، پیامبر و مؤمنین هرگز برای ما ذلت و خواری نمی‌پسندند.
 از جهاد با این طاغوت‌ها و گماشتگان‌شان که خون مسلمانان را می‌ریزند، ناگزیریم؛ قبل از آنکه
 روزی بیاید و ببینیم تبدیل به جسدهایی بدون خون و مردگان متحرک در روی زمین شده‌ایم.
 برای هیچ مسلمانی شایسته نیست که بگوید ما با سیاست کاری نداریم؛ زیرا هر مسلمانی که خود
 را ملزم به اسلامش می‌داند، می‌داند که دینش، یک دین سیاسی است.

انظروا إلى كتب الفقه الإسلامي إنَّ ما فيها من أحكام المعاملات الاقتصادية
 والاجتماعية والقضائية والسياسية أكثر بكثير مما فيها من أحكام العبادات، ثم
 أليس القرآن هو دستور حياتنا والطريق الذي يرسمه لنا هو الصراط المستقيم
 الذي يجب أن نسير عليه؟ فإذا تدبرنا القرآن وجدناه ثورة الأنبياء والمؤمنين
 المستضعفين بوجه الطواغيت المستكبرين، وإذا تدبرنا حديث النبي وجدناه
 يقول: (أفضل الجهاد كلمة حق عند سلطان جائر) [123].

اگر به کتاب‌های فقه اسلامی نگاهی بیندازیم، خواهیم دید احکام معاملات اقتصادی، اجتماعی، قضایی و سیاسی بیشتر از احکام عبادی است؛ به علاوه، مگر قرآن دستور زندگی ما و ترسیم کننده صراط مستقیمی نیست که طی طریق در آن بر ما واجب است؟ اگر در قرآن تدبّر کنیم، نهضت پیامبران (ع) و مستضعفین در رویارویی با طاغوتیان مستکبر را خواهیم یافت. کافی است در این حدیث پیامبر (ص) تدبّر کنیم، خواهیم یافت که چه می‌گوید: (بهترین جهاد، گفتن کلمه حق در مقابل حاکم ظالم است). (1)

إِنَّ فِي هَذَا الْحَدِيثِ تَفْضِيلَ لَجِهَادِ الْحَاكِمِ الْجَائِرِ؛ وَذَلِكَ لِأَنَّهُ يَحْكُمُ بِحُكْمِ الْجَاهِلِيَّةِ وَيَتَّبِعُ هَوَاهُ وَيَسْتَبِيحُ الدَّمَاءَ وَالْأَمْوَالَ وَالْفُرُوجَ وَلَا يَبْقَى مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا مَا يُوَافِقُ هَوَاهُ، وَيَشْتَرِي مِنَ عُلَمَاءِ السُّوءِ مَنْ يَفْسِّرُ لَهُ الْقُرْآنَ وَفَقَّ هَوَاهُ فَيَجْعَلُ أَوْلِي الْأَمْرِ فِي الْآيَةِ:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ) [124]،

هم الحکام الظلمة لا الأئمة الاثنا عشر المعصومون ، ویصبح موسی و علی والحسین بغاة علی أئمة زمانهم فرعون و معاویة ویزید لعنهم الله، وهكذا یرجع الناس إلى الجاهلیة ولا یبقى من القرآن إلا رسمه و من الإسلام إلا اسمه.

آنچه از این حدیث بر می‌آید، برتری جهاد در مقابل حاکم ستمگر می‌باشد؛ از این رو که او به حکم جاهلیت، حکم می‌دهد، از هوای نفس خویش متابعت می‌کند، خون‌ها و اموال و نوامیس مردم را مباح می‌شمرد و چیزی از اسلام باقی نمی‌گذارد، مگر هوای نفس خودش؛ علمای خود فروخته را مزدور خود می‌کند تا قرآن را طبق هوای نفس خودش تفسیر کنند و او را مصداق اولوالامر در آیه زیر قرار دهند:

(ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا اطاعت کنید و از رسول و اولوالامر خویش فرمان برید)؛ (2).

آن‌ها حاکمان ستمگرند، نه امامان دوازده‌گانه معصوم (ع). موسی، علی و حسین (ع)، علیه ائمه [گمراهی] زمان خودشان یعنی فرعون، معاویه و یزید که لعنت خدا بر آن‌ها باد، خروج کردند؛ و به این ترتیب مردم به زمان جاهلیت باز می‌گردند و از قرآن جز خطش و از اسلام جز اسمش باقی نمی‌ماند.

ومن هنا نعرف أن جهاد الحاكم الجائر جهاد دفاعي عن الإسلام فلا بد للمسلمين من مجاهدة الطواغيت المتسلطين على البلاد الإسلامية والقضاء على مرتزقتهم وإقامة الحكومة الإلهية الربانية الإسلامية، وبالتالي تنفيذ ما شرّعه الله في

القرآن الكريم وعلى لسان نبيه العظيم وما جاء به الأئمة الاثنا عشر المعصومون عن رسول الله في البلاد والعباد، ونشر العدل والقضاء على الفساد.

از این رو، می فهمیم که جهاد در مقابل حاکم ستمگر، جهاد دفاعی از اسلام است و هر مسلمان، ناگزیر است از مبارزه با طاغوت‌هایی که بر سرزمین‌های اسلامی مسلط شده‌اند، از بین بردن گماشتگان آن‌ها، اقامه حکومت الهی آسمانی اسلامی و به تبع آن به جریان انداختن آنچه قرآن تشریح نموده و آنچه بر زبان پیامبر اعظم (ص) جاری شده است و آنچه امامان دوازده‌گانه معصوم (ع) از رسول خدا (ص) با خود آورده‌اند، در بین سرزمین‌ها و بندگان خدا و انتشار عدل و مبارزه با فساد.

ولا بد من الجهاد المسلح، ولكي نهى هذه الأمة لهذه المرحلة لا بد من أمور، هي:

از جهاد مسلحانه گریزی نیست، اما برای آماده نمودن این امت، باید چند مرحله سپری شود:

[120] - الحج: 40.

1- حج: 39-40

[121] - العنكبوت: 1-6.

1- عنكبوت: 1-6

[122] - یسیر (ع) إلى قول جدّه الإمام الحسين (ع): (ألا وإن الدعي ابن الدعي قد تركني بين السلة والذلة وهيهات له ذلك مني! هيهات منا الذلة! أبا الله ذلك لنا ورسوله والمؤمنون. وحجور طهرت وجدود طابت، أن يؤثر طاعة اللئام على مصارع الكرام، الأواني زاحف بهذه الأسرة على قلة العدد، وكثرة العدو، وخذلة الناصر، ثم تمثل فقال شعراً:

فإن نهزم فهزامون قدماً وإن نهزم فغير مهزмина

وما أن طبنا جبن ولكن منايانا ودولة آخرينا

فلو خلد الملوك إذا خلدنا ولو بقي الكرام إذا بقينا

فقل للشامتین بنا أفيقوا سيلقى الشامتون بما لقينا الاحتجاج للطبرسي: ج 2 ص 24.

2- ایشان (ع) به این سخن جدش امام حسین (ع) اشاره می‌فرماید: ((بدانید! که این ناپاک‌زاده، فرزند ناپاک‌زاده مرا میان دو انتخاب قرار داده است: کشته شدن یا قبول ذلت؛ و چقدر دور است که من تن به ذلت دهم. خداوند، پیامبر و مؤمنین او هرگز برای ما ذلت و زبونی نمی‌پسندند و نیاکان پاک سرشت و دامن‌های پاک که ما را پرورانده اند این را از ما نمی‌پذیرند | هرگز! ما هیچ‌گاه فرمان‌برداری فرومایگان را بر مرگ شرافتمندانه ترجیح نخواهیم داد. بدانید من با شما اتمام حجت کردم و شما را از عاقبت کارتان بیم دادم. به هوش باشید! من با همین خاندانم و آمادگی کم و یاران اندک، با شما پیکار می‌کنم و آماده شهادتم. آن‌گاه این اشعار را خواند:

اگر ما در جنگ، دشمن را درهم بشکنیم، این شیوه دیرین ماست و اگر [به ظاهر] شکست بخوریم، باز هم ما شکست نخورده‌ایم. ترس، زینده ما نیست ولی اینک دولت و حکومت دیگران جز با کشتن ما میسر نیست. اگر بنا بود پادشاهان جاودان باشند، ما نیز جاودان می‌ماندیم و اگر بزرگواران باقی می‌ماندند، ما نیز باقی می‌ماندیم. به سرزنش کنندگان ما بگو بیدار باشید؛ به زودی سرزنش کنندگان ما خواهند دید آنچه را که ما دیدیم). احتجاج طبرسی: ج 2، ص 24

[123] - مسند أحمد: ج 3 ص 19، سنن النسائي: ج 7 ص 161.

1- مسند احمد: ج 3، ص 19؛ سنن نسایی: ج 7، ص 161

[124] - النساء: 59.

2- نساء: 59